

اوج سکوت

گفتگو با اروه نیزیک

اوج سکوت، فیلم مستندی که در ۱۹۹۵ توسط اروه نیزیک در شهر محاصره شده ساریوو تهیه گردید، تماماً از «مصاحبه‌های خاموش» تشکیل می‌شود که در آن مردان، زنان و کودکان به دوربین خیره شده‌اند. در اینجا قصه نویسنده کانادایی، هدنی دیتمارس (Hadani Ditmars) درباره نقش سکوت در این فیلم، از نیزیک می‌پرسد.



چهره‌هایی از ساریوو. صحنه‌های خاموش از فیلم اروه نیزیک به نام اوج سکوت (۱۹۹۵).

■ سکوت در فیلم شما چه نقشی دارد؟

اروه نیزیک: سکوت اصل و اساس آن است. هنگامی که برای بار اول در حین جنگ به ساریوو رفتم، از این واقعیت حیرت کردم که مردم از تلاش برای توضیح حقیقت وقایع توسط رسانه‌های همگانی، خسته شده‌اند. همچنین از گوش دادن به کسانی که وعده کمک داده و دنبالش را نگرفته بودند نیز خسته به نظر می‌رسیدند.

ساریوو به شکل نوعی آشفته‌بازار وعده‌های انجام نشده و بدون فعالیت درآمده بود. مردم آن به جایی رسیده بودند که کلمات بی‌فایده و بی‌معنی شده و به وسیله‌ای ساختگی برای ارتباط تغییر شکل داده بودند، جایی که بهتر بود چیزی

گفته نشود. این احساس وجود داشت که: «همه می‌دانند که وضعیت بد است، کلیه راه‌ها را آزموده‌اند، بگذار لب فروبندیم.»

حتی اگر فکر می‌کردند که شما صداقت دارید و به راستی مایل به کمک هستید، باز هم این احساس وجود داشت که چرا به خودتان زحمت بدهید؟ هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. هر کاری که بکنیم، باز هم خونریزی و آدمکشی ادامه خواهد داشت. اوضاع در ساریوو به این مرحله رسیده بود.

این احساس وجود داشت که من فقط به ملاقات مردمی رفته بودم که در نوعی زندان به سر می‌بردند؛ که من می‌توانستم به خانه بازگردم اما آنها باید آنجا می‌ماندند. من

به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتباط در فیلم خود مورد استفاده قرار دادم. فکر نمی‌کنم هیچ کلامی در هیچ زبانی وجود داشته باشد که بتواند وضعیت بوسنی را توصیف کند. سکوت تنها راه انتقال پیچیدگی اوضاع و احساسات مردم است. متانت فوق‌العاده‌ای در مردم سارایوو وجود دارد که می‌توانید آن را مشاهده کنید. اطمینان دارم هرکس که تصاویر فیلم مرا ببیند وقار و متانت این مردم را احساس خواهد کرد. تصاویر گویای همه چیز هستند و کلام چیزی بر آنها نخواهد افزود. اظهار نظر دیگری نمی‌توان درباره‌شان کرد. حتی هم‌اکنون نیز که دارم صحبت می‌کنم، چه چیز دیگری می‌توانم اضافه کنم. اگر تصاویر را دیده باشید، خودتان می‌فهمید. نیازی به کلام نیست.

■ آیا سکوت در سنتهای بوسنی نقشی ایفا می‌کند؟

ا. ن.: سکوت همواره بخشی از نحوه استقبال آنها بوده است. این براساس حرمت است. مثلاً اگر وارد رستورانی شوید و مردم علاقه و توجهی نسبت به شما داشته باشند، از سخن گفتن بازایستاده و به شما خیره می‌شوند، که ممکن است لحظاتی ادامه یابد.

اما این فیلم درباره مردم بوسنی نیست، بلکه درباره روابط ما غربیها با بوسنی است. فیلمی است که بیننده را درگیر می‌کند. سکوت مردم بوسنی پاسخی به سکوت غرب در برابر فاجعه است. بازتابی مستقیم به ناتوانی غرب، به درماندگی آشکار وی نسبت به عمل، به «تظاهر دروغین» و برخورد رسمی آن که از این قرار است: «ما اینجا هستیم، اما دخالت نخواهیم کرد، زیرا نمی‌خواهیم اوضاع را آشفته کنیم».

این برخورد رسمی محکومیت خود را در بطن خویش دارد، و هیچ محکومیتی گویاتر از سکوت نیست. مردم بوسنی نمی‌خواهند نسبت به ما، یعنی غرب، و نسبت به دولتهای ما خشمگین شوند. آنها می‌خواهند سکوت خود را حفظ کنند. به گمان من این سکوت نحوه ابراز تحقیر آنها نیز هست. اما درعین حال طرز نگاه آنها به ما سرشار از امید است. با سکوت خود می‌گویند: «نگاه کنید، ما اینجا هستیم، ما هم انسانهایی مانند شما هستیم، ببینید چه وضعیتی داریم، به آن فکر کنید.» طرف مقابل مجبور می‌شود فکر کند. همچنین این شیوه‌ای برای برانگیختن سطح درک متفاوتی در بیننده است. این نکته زمانی که مشغول تهیه فیلم بودم روشن شد. من برنامه خود را برای هرکس که از او فیلمبرداری می‌کردم، توضیح می‌دادم. به هر یک از آنها می‌گفتم: «می‌خواهم به‌نحوی به دوربین نگاه کنید مثل اینکه به مردمی نگاه می‌کنید که خارج از مرزهای سارایوو هستند - در آن سوی خط محاصره.» نگاه خیره مردم سارایوو به‌نحوی بود که

به‌عنوان «ملاقات‌کننده» می‌توانستم بروم، اما آنها مجبور بودند در آنجا تحت محاصره باقی بمانند.

سکوت به نوعی تنها راه ممکن ارتباط با مردم سارایوو به‌نظر می‌آمد. اما درعین حال نوعی آزمون نیز بود. غالباً احساس می‌کردم که مردم با چشمانشان از من می‌پرسیدند: «آیا به‌راستی می‌توانی نگاه مرا تحمل کنی؟ و اگر چنین باشد ممکن است بعداً با تو صحبت کنم.»

■ پس در این صورت آیا در فیلم شما سکوت نشانه

نومیدی است یا علامت مبارزه؟

ا. ن.: سکوت بسیار مبهم است، و به این دلیل است که آن را



می‌خواست از درون دوربین، از درون من که مشغول فیلمبرداری بودم، از درون تماشاچیان در سوی دیگر - از درون زمان و مکان عبور کند.

■ آیا انتقال مفهوم سکوت مشکلتر از کلام است؟

ا. ن.: همه ما می‌دانیم که از میان مقدار اطلاعاتی که از یک نفر به دیگری منتقل می‌شود، شاید حدود ده درصد آن از طریق کلام باشد. احتمالاً ۲۰ درصد نیز از نحوه بیان - یعنی لحن صدا و غیره - انتقال می‌یابد. و باقیمانده، یعنی بیشتر اطلاعات از طریق همه بدن منتقل می‌شود. هنگامی که ما فیلمی را می‌بینیم یا می‌سازیم، تصور می‌کنیم که گفتگو همه چیز را بیان می‌کند. اما این واقعیت ندارد. گفتگو فقط ۱۰ یا ۲۰ درصد را بیان می‌کند. بقیه حضور است. فیلم بر قدرت ارتباط غیرلفظی تأکید دارد.

■ اما آیا مردم در فواصل «مصاحبه‌های» خاموش شما، با شما سخن نمی‌گویند؟

ا. ن.: البته، گاهی اوقات سه چهار ساعت طول می‌کشد تا یک صحنه سه دقیقه‌ای درست تهیه کنم. برخی مواقع همین قدر وقت لازم بود تا به یکدیگر عادت کنیم. تنها چیزی که به آن پایبند بودیم آن بود که فقط یک شات، یک کادر و یک برداشت داشته باشیم. بنابراین مجبور بودم آن قدر منتظر بمانم تا لحظه مناسب فرا برسد و همه در مورد زمان و نحوه فیلمبرداری توافق کرده و راحت باشند. هیچ‌گونه نور مصنوعی در فیلم وجود ندارد. همه چیز به‌طور طبیعی فیلمبرداری شده تا مردم را آن‌گونه که هستند نشان دهد.

■ در فیلمهایی که از مناظر ساریوو گرفته‌اید، این احساس وجود دارد که ساختمانهای ویران و مزارع لم‌بزرع نیز به‌عنوان شواهدی بر فاجعه سکوت کرده‌اند.

ا. ن.: چیزی که می‌توانم بگویم این است که این نوع سکوت در واقع پایه گفتگوست. امیدوارم که فیلم من مردم را به سخن گفتن وادارد.

■ فیلمبرداری «نگاه خیره» مردم ساریوو چه تأثیری بر شما نهاد؟

ا. ن.: اگر اسلحه بود، مرا کشته بود. از این نگاهها ناراحت می‌شدم. اما خوشحال بودم که آنها چنین قدرتی را نشان می‌دادند. معمولاً مردم بوسنی در رسانه‌های گروهی به‌عنوان قربانی نشان داده می‌شوند. و هرچه بیشتر انسانها را به‌صورت قربانی بنگرید، بیشتر می‌پذیرید که با آنها باید به‌گونه قربانی رفتار کرد.

به من پیشنهاد شد از مردمی که در جنگ مجروح شده

بودند، فیلمبرداری کنم، اما نپذیرفتم. می‌خواستم مردم بوسنی را مردمانی زیبا و قوی نشان دهم، نه قربانی و گله‌مند. نمی‌خواستم نظاره‌گر نیز باشم. با دادن فرصت سکوت در جلوی دوربین، این امکان را نیز به آنها می‌دادم که وقار و انسانیت خود را نشان دهند. استفاده از سکوت قویترین نحوه انجام این کار بود. یک فیلم درباره سکوت، به‌صورت تنها وسیله راستین ارتباط درآمد.

هدنی دیتمارس

(HADNI DITMARS)

نویسنده و روزنامه‌نگار کانادایی است

که درباره موضوعات مربوط به

روباروس فرهنگها می‌نویسد.